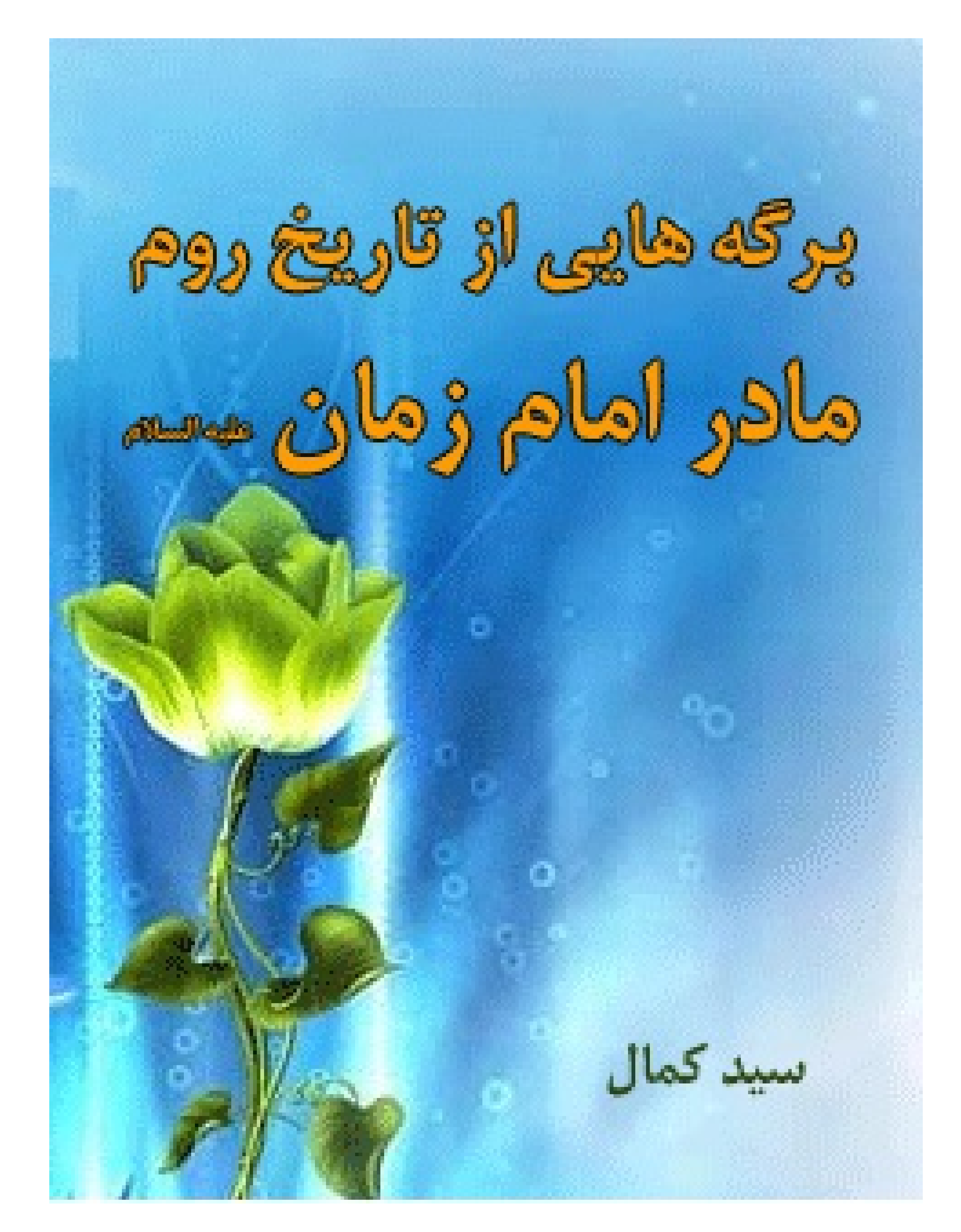

برگه هایی از تاریخ روم
مادر امام زمان علیه السلام
سید کمال


بسم الله الرحمن الرحیم

# برگه‌هایی از تاریخ روم، مادر امام زمان (عج)

نویسنده:

سید کمال

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیهالسلام

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

# برگه‌هایی از تاریخ روم، مادر امام زمان (عج)

## مشخصات کتاب

نویسنده:سید کمال

ناشر:بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود

## یکی از جهات ارتباط میان امام مهدی و حضرت مسیح

میان امام مهدی (ع) و حضرت مسیح (ع)، از جهات متعددی ارتباط است. یکی از این موارد، مادر بزرگوار آن امام است.در روایتی از پیامبر (ص) این گونه آمده است:مهدی ازفرزندان من است. صورتش مانند ماه منیر می‌درخشد. رنگ رخسارش عربی و قد و قامتش اسرائیلی است. [۱] .دراین حدیث، اشاره‌ای ضمنی هست که مهدی (ع) ازمادرش، ویژگی‌های قد و قامت بنی‌اسرائیل رابه ارث می‌بَرد.نگاشته‌های امامیه، تأکید دارد که مادر امام مهدی (ع)، بانو «ملیکا» است که نام حقیقی‌اش راپنهان کرد و به اسم «نرجس» شناخته وخوانده شد.اویکی ازشاهزادگان قصر امپراتوری قسطنطنیه در روم بود.در این قسمت از بحث، آن چه را استاد سعید ایوب در کتاب ارزش‌مندش «عقیدهٔ المسیح الدجال» نوشته و مربوط به موضوع است، بیان می کنیم:جبهه‌ای که رو در روی دجال و پیروان و مردان مرتدّ کلیسا می‌ایستد، اسلام است. فرمانده این جبهه، مهدی منتظر است.پیامبر می‌فرماید: «مهدی، همنام من است». آیا صاحب این نام که در انجیل کنونی است، با نشانه‌هایی که برایش گفته‌اند، همخوان است؟در سِفْر رؤیا آمده است: «نام فرمانده‌ای که جنگ‌های آخر زمان را رهبری می کند، امین صادق است». [۲] .در منابع اسلامی است که شیوه مهدی، بِدان گونه است که «پس از آن که زمین پراز ستم و جور شد، آن را پراز عدل و داد می کند». در عرض و همسنگ این نشانه‌ها [در مصادر اسلامی]در سِفْر رؤیا است:«او، عادلانه حکم می کند و برای برقراری عدالت می‌جنگد». [۳] .در منابع اسلامی درباره اصل و نَسَب مهدی آمده است: «مهدی، از خاندان من، از فرزندان فاطمه است...». [۴] در این باره، در سِفْر رؤیا ذکر شده: «بانویی که نور خورشید و ماه وجودش را فرا گرفته است و پایین پا و بر سرِ او تاجی از دوازده ستاره است. بانو، پسری نیرومند زاییده که با قدرتی آهنین، تمامی ملّت‌ها را سرپرستی می کند». [۵] .در تفسیر گفته‌اند: «او، بانویی فاضله وبا وقاراست و نسل [مهدی از او به وجود می‌آید». [۶] .نسل این بانو، با مخاطرات و مشکلاتی مواجه می‌شود و نیروی‌های شیطانی با باقی‌مانده نسل او – که به سفارش‌های خداوند عمل می کنند – می‌جنگد. تاجی که بر سر بانو است، نشانه رهبری است و دوازده ستاره، نام‌های رسولان است.به نظرم اگر مهدی از فرزندان فاطمه، و آخرین رهبر باشد، طبیعی است که تمامی برادرانش، نزد اهل کتاب شناخته شده باشند. اینان، شاخ و برگ یک درخت‌اند که ازبانوی آفتاب و مهتاب به بار آمده‌اند. [۷] .

## روایت تاجر بردگان (بشربن سلیمان نخاس)

روایتی در کتاب‌های معتبر امامیه در «کمال الدین» شیخ صدوق و «الغیبهٔ» شیخ طوسی است که به مهم‌ترین مطالب آن اشاره می کنیم:بشربن سلیمان نخاس، از اصل و ریشه انصار مدینه و ساکن سامرا است. وی، همسایه امام هادی (ع) است و نزد ایشان، نیز مسائل فقهیِ تجارت بردگان را می‌آموخت.امام، مباشر خود «کافور» را هنگام پسین، به دنبال تاجر می‌فرستد. او در وقت مناسب حاضر می‌شود. امام، به وی مأموریت می‌دهد کنیزی را با مشخَّصات معیّن بخرد.روایاتی که به این موضوع اشاره دارد، می گوید، امام هادی کمی پس از پایان جنگ محلّی بغداد (سال ۲۵۱–۲۵۲) دست به این اقدام زد. که احتمالاً، اقدام حضرت، میان سال‌های

۲۵۳-۲۵۴ هجری است؛ یعنی، هنگامی که بغداد فعّالیّت عادی‌اش را پس از جنگ خانمان برانداز داخلی، از سر گرفت.خرید کنیز، در جایی نزدیکِ «معبر الصراة» که نهری منشعب از دجله در بغداد است، انجام شد. دخترك داستان هیجان انگیزش را برای «نخاس» چنین بازگو می‌کند:نام حقیقی اش، «ملیکه» دختر یشوعا فرزند قیصر روم است و مادرش از نسل حواریّون و مشخَّصاً از نسل شمعون، (وصیّ مسیح) است. جدّش می‌خواست او را به ازدواج یکی از شاهزادگان و امیران قصر درآورد که پیشامدی مانع آن شد.دخترك، در رؤیای شگفتی می‌بیند که پیامبر عرب، (محمد (ص)) او را نامزد یکی از فرزندانش از نسل مسیح می‌کند. به سبب این رؤیای هیجان‌آمیز و علاقه‌اش به جوان سبزه‌ای که نامزد وی شده، دچار تب می‌شود.او، دختری عاقل و آگاه است که زبان عربی می‌داند و با اسیران مسلمان، مهربان و خوش‌رفتار است.دختر، برای سفر به بغداد نقشه می‌کشد. وی، در جنگ شرکت می‌کند و جزء اسیران می‌شود.این است آن چه اتفاق افتاده. وقتی نامش راپرسیدند، گفت: «نرجس است». این، نام کنیزان بود، و این گونه به بازار کنیزان - که آن زمان رواج داشت - برده شد.در این قسمت، برخی از تفاصیل و توضیحات را درباره جبهه نبرد شمالی و شمالی - شرقی، جایی که ارتش اسلام و روم به کشمکش و نبرد پرداخته‌اند، ذکر می‌کنیم. می‌توان مجموعه هجوم‌ها و نبردها را از هنگام فتح «عموریه» پی گرفت که به شکل سختی، در زمان امپراتریس تئودورا، در آمد. وی نائب السلطنه فرزند کوچکش، «میخائیل سوم» بود.ما، بحث را بر درگیری‌های سال‌های ۲۴۹-۲۵۳ که در تاریخ اسلامی و رومی ثبت است، متمرکز می‌کنیم. در سال ۲۵۳ هجری (۸۶۷ میلادی) حادثه مهمی رخ داد که از دیگر حوادث روشن‌تر است. کودتای «باسیلیوس» با تلاشی سرنوشت ساز و انقلابی پیش آمد که حکومت خاندان عموریه را برانداخت و خاندان جدید مقدونیه را برسرکارآورد. این صفحات را از تاریخ روم می‌خوانیم.این چنین به «نیکفوروس‌اوّل» (۸۰۲-۸۱۱) و جنگش با هارون الرشید بر می‌خوریم و میخائیل اوّل (۸۱۱-۸۱۳) که به سبب شکست از بلغارها، تخت و تاجش سرنگون شد و سرش را تراشیدند و به زمره راهبانش درآوردند، و لئوی پنجم، مشهور به «ارمنی» (۸۱۳-۸۲۰) که بار دیگر تمثال پرستی را قدغن کرد و در حالی که در کلیسا به ترنم سرودی مشغول بود، ترور شد و میخائیل دوم (۸۲۰-۸۲۹) امپراتوری الکن بی‌سوادی که عاشق راهبه‌ای شد و مجلس سنا را واداشت از وی خواهش کند که آن زن را به ازدواج درآورد، و تئوفیلوس (۸۲۹-۸۴۲) مصلح قوانین و سردار سازندگی و مدیر با وجدانی که شیوه تمثال شکنی را زنده گرداند و بر اثر ابتلا به اسهال خونی در گذشت و بیوه‌اش «تئودورا» که به عنوان نائب‌السلطنه‌ای توانا بر شهرها حکومت می‌کرد (۸۴۲-۸۵۶) به آزار و اذیت مردم پایان داد، و میخائیل سوم، ملقب به دائم‌الخمر (۸۴۲-۸۶۷) که بر اثر بی کفایتی مقرون به مهربانی، امور حکومت را ابتدا به مادرش سپرد و چون وی مرد، به دایی [۸] فاضل و لایقش سزار بارداس واگذار کرد. [۹] آن گاه ناگهان مردی بی مانند، غیر منتظرانه، بر صفحه ظاهر شد و به هر چیزی که از پیشینیان مانده بود، به جز خشونت، پشت پا زد و سلسله نیرومند مقدونیان را بنیاد افکند.باسیلیوس اوّل مقدونی در نزدیکی شهر آدریانوپل در دامان یك خانواده برزگر ارمنی، قدم به عرصه وجود نهاد (سال ۸۶۲). هنگام کودکی به دست بلغارها اسیر شد و ایام جوانی اش را در آن سوی دانوب، یعنی خِطّه‌ای که در آن زمان به مقدونیه شهرت داشت، در میان بلغارها گذراند. در بیست و پنج سالگی گریخت و رو به قسطنطنیه نهاد. سر بزرگ و نیروی جسمانی وی نظر مردی را که به خدمت سیاسی اشتغال داشت، جلب کرد. به همین سبب وی باسیلیوس را به مهتری خود اجیر کرد. باسیلیوس، به اتفاق ولیّ نعمت خویش - که مأمور یونان شده بود -، به آن سرزمین رفت و در آن جا نظر زن بیوه‌ای به اسم دانیلیس، و نیز اندکی از ثروت او را به خود جلب کرد. چون به پایتخت بازگشت، اسب سرکشی را برای میخائیل سوم رام کرد، پس به خدمت امپراتور اجیر شد، و هر چند مردی کاملاً-عامی بود، به مقام ریاست تشریفات دربار ارتقاء یافت.باسیلیوس، همیشه مناسب و شایسته بود و هر کار را بدو می‌سپردند، به خوبی از پس آن بر می‌آمد و به شتاب آن را انجام می‌داد. وقتی میخائیل در صدد پیدا کردن شوهری برای همخوابه خویش بر آمد، باسیلیوس زن دهاتی خویش را طلاق گفت و او را با مهریه هنگفتی به تراکیا فرستاد و ائودوکیا، همخوابه امپراتور را به ازدواج درآورد، و آن زن همچنان به خدمت به امپراتور ادامه داد.

میخائیل، همخوابه‌ای برای باسیلیوس معیّن کرد، اما باسیلیوس مقدونی فکر می‌کرد که پاداش عمل وی تاج و تخت است. وی میخائیل را قانع ساخت که دایی‌اش (سزار بارداس) مشغول توطئه برای خلع او است، و سپس بارداس را با دست‌های بسیار بزرگ خود خفه کرد (۸۶۶). میخائیل سوم، که سال‌های دراز عادت کرده بود سلطنت کند، نه حکومت، اینک باسیلیوس را در امپراتوری شریک خود کرد و تمامی امور حکومت را به دست وی سپرد. هنگامی که میخائیل اورا به کنار گذاشتن تهدید کرد، باسیلیوس، نقشه قتل میخائیل را کشید و خودش در این امر نظارت کرد و سرانجام بدون رقیب، امپراتور شد (۸۶۷). [۱۰] .

## ذکر برخی مطالب مفید دیگر

«تئوفیلوس» در ۲۲۷ هجری (۸۴۱ میلادی)، همان سالی که معتصم عباسی مُرد، در گذشت. وی، در عموریه که در ۲۲۳ هجری (۸۳۷ میلادی) به دست لشکر اسلام افتاد، زاده شد. فرزند کوچکش، میخائیل سوم، شش سال حکمرانی کرد و شورای نائب السلطنه را به سرپرستی مادرش «تئودورا» و دایی اش قیصر بارداس تشکیل داد. مادرش، چهارده سال به تنهایی حکومت کرد و جنگ‌های سختی ضد دولت اسلامی، در این مدّت به راه انداخت و دوازده هزار اسیر مسلمان را به هولناک به قتل رساند. [۱۱] در ۸۵۶ میلادی، برادرش (قیصر بارداس) وی را کَت بسته، مجبور به اقامت در دیری کرد. تاریخ سال درگذشت وی را ۸۶۷ م. ذکر می‌کند، سالی که کودتای نظامی به رهبری باسیلیوس رخ داد. تاریخ روم مختصری از اخلاق و رفتار وی را ذکر کرده است. آیا مرگ تئودورا در همین سال، طبیعی و به طور اتفاقی بوده است؟!بارداس، پس از دستگیری و اقامت اجباری خواهرش در دیر، حاکم امپراتوری شد و قیصر گردید. نباید فراموش کرد که تاریخ از وی با این لقب یاد می‌کند.می‌توان این اطلاعات و محتوای سخنان بانو نرجس را باهم تطبیق داد. [۱۲] وجود شخصیّتی به نام قیصر بارداس که امپراتور کشور باشد، درگزارش بانو، به روشنی بیان می‌شود. در سال ۸۶۷ میلادی (۲۵۳ هجری) باسیلیوس مقدونی، قیصربارداس را می‌کشد، سپس میخائیل سوم را به قتل می‌رساند و خود را امپراتور جدید اعلام می‌کند و به حکومت خاندان عموریه پایان می‌دهد. آن گونه که در تاریخ ثبت است، باسیلیوس، شخصی بی سواد و خشن و خون آشام بود.تار و مار شدن خاندان عموریّه، گزارش فرار و آوارگی شاهزادگان قصر را تقویّت می‌کند. پیدایش بانو نرجس در سال کودتای نظامی و به هنگامی که برخوردهای آسیب‌زا رخ می‌نماید و گزارش «بشربن سلیمان نخاس» بدان اشاره می‌کند، نیز آشناییِ امام حسن عسکری (ع) با کنیزی در منزل عمه‌اش، شاهد و گواه ادعای بانو نرجس است که از بانوان و شاهزادگان قصر می‌باشد و دست سرنوشت، او رابه بغداد رسانده است.داستان امام مهدی (ع) عادی نیست، بلکه به اقتضای ادبیات این مسئله، خلاصه داستان پیامبران، با تمامی معجزات و شورانگیزی آن است. احادیث بسیاری به همانندی امام مهدی و گروهی از انبیا اشاره دارد. رؤیای بانو نرجس رابا قصه‌های بسیار جالبی که در قرآن آمده و رؤیا، رکن مهم آن است، می‌توان مقایسه کرد، که گویاتر از سوره یوسف وجود ندارد و رؤیا، نقطه محوری تمام قصّه بوده است. داستان، با رؤیایی از ستارگان شروع می‌شود و با تفسیر و تعبیر آن پایان می‌پذیرد و در میان رؤیا، خواب پادشاه بازگو می‌شود که وضع را جالب‌تر می‌کند.اگر رؤیای بانو نرجس، در فضای کلّی چهارچوب حرکت الهی رسالت قرار گیرد، روشن می‌شود که بسیار همخوانی و انسجام دارد. قرآن کریم، پر از شواهد درخشان در این باره است. موسی (ع) دروضعی هیجان آور به دنیا آمد و زیست و رشد کرد – که از شرح آن بی نیازیم – و بانو مریم با لطف الهی به دنیا آمد و فرزندش عیسی (ع) با معجزه‌ای در آفرینش زیر شاخه درخت، زاده شد و سرورمان محمد (ص) زاده دو ذبیح (ابن‌الذبیحین) است؛ زیرا، میان اسماعیل و ذبحش، لحظاتی فاصله نبود که آسمان گشوده شد. نزدیک بود پدر پیامبر (ص) ذبح شود و خود پیامبر (ص) در هنگام هجرت به قتل برسد، در حالی که میان او و شمشیرهای قریش، جز چند تار عنکبوت نبود. پیش‌تر، ابراهیم (پدر پیامبران) در دل آتش افتاد، اما خدا آن را سرد وسلامت کردو خدا خواست ملیکه یا نرجس، مادر مصلح جهان شود... خداوند از وی مردی را که نرجس بدو رغبت و میلی نداشت، راند و

شوهری دیگر در زمان دیگر تقدیر وی کرد. خدا می‌خواست در حوادث کودتای نظامی که قربانیان آن، خاندانِ حاکمه عموریّه بودند، وی از کشتن نجات یابد و در سفری هیجان آور – که تفصیلش را نمی‌دانیم – به بغداد، و سپس به سامرا برسد.امام هادی (ع) برای فرزندش، دختری خردمند از سلاله حواریون را برگزید، امّا می‌بایست فرزند موعود، دایی‌های نداشته باشد که سراغ وی را بگیرند، از این رو، دختر، مانند هر کنیز بیگانه دیگری، در هاله‌ای از گمنامی می‌زیست، گرچه وی – همچنان که در روایت گفته‌اند – سیّدة الإماء (خاتون کنیزکان) بود.

## پاورقی

[۱] البیان، گنجی، ص ۱۱۸.

[۲] سِفْر رؤیا، ۱۹/۱۱، کتاب حیات، چ ۱۹۸۲.

[۳] همان.

[۴] سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۲۶۸.

[۵] سِفْر رؤیا، ۱۲/۱،۵ (کتاب مقدس، چ ۱۹۸۳).

[۶] یوم الدین، استیفنس، ص ۸۷ و ۱۰۹؛ تفسیر الرؤیا، ص ۲۷۷؛ آخرالساعة، جین داکسون، ۱۹۸۴.

[۷] سعید ایوب، عقیدة المسیح الدجال، ص ۹۸-۱۰۱.

[۸] در متن عربی، «عم» (عمو) آمده که درست آن، «دایی» است، به دلیل چند سطر بعد.

[۹] در تاریخ طبری، در حوادث سال ۲۴۶ است: نصر بن الازهر شیعی، (فرستاده متوکل به روم برای پرداخت فدیه به منظور آزاد کردن اسیران) می‌گوید: «وقتی به قسطنطنیه رسیدم، با همان لباس و شمشیر و خنجر و کلاهی که داشتم، به سرای قیصر میخائیل رفتم. بین من و داییِ قیصر که سرپرست وی بود، مناظره‌ای در گرفت». [

[۱۰] تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج ۴ (عصرایمان) ص ۵۵۰ – ۵۵۱ (فصل ۱۸).

[۱۱] شاید همین رخداد هول ناک، قیصر بارداس را واداشت چند ماه بعد، خواهرش را زندانی کند. طبری، در حوادث سال ۲۴۱ هجری فاجعه کشتار اسیران را ذکر کرده است.

[۱۲] مستشرق «دونالدسون»، بعید می‌داند یکی از شاهزادگان روم دختر یشوع فرزند امپراتور روم همسر امام حسن عسکری باشد، او، معتقد است که این قصه از هر حیث برای تأکید بر پاکی اصل و نسب امام مهدی (ع) بافته شد، امّا همین مستشرق بعید نمی‌داند شاهزاده رومی در میان اسیران جنگی، از جبهه امپراتوری بیزانس باشد که پس از فروش در بازار نخاسه، به عنوان کنیز به خانواده مسلمان والایی رفت. (موسوعة العتبات المقدسة: سامرا، ص ۲۷۶). نگاشته‌های شیعی در شرح حال مادران امامان که اغلب کنیز بودند، مطلب فوق را جز برای امام سجاد (ع) و امام مهدی (ع) گزارش نکرده است. مادر امام زین العابدین (ع)، شهربانو دختر یزدگرد، آخرین کسرای ایران، و مادر امام مهدی (ع)، شاهزاده‌ای رومی بود. نوشته‌های شیعی بر آن نبوده که ائمه را با اصل و نسب‌های ساختگی به شرافت و بزرگی برساند!.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید

بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف ) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگـانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹